

# روزی که پیامبر (ص) نمازش را با عجله خواند

نویسنده: عباسعلی سپاهی یونسی

تصویرگر: زهرا امسان فر



چرا پیامبر نمازش را با سرعت خواند. آن روز پیامبر نماز را زودتر از همیشه تمام کرد و با سرعت از مسجد خارج شد.

همه منتظر بودند تا پیامبر (ص) برگردد. هر کسی حدسی می زد که چرا پیامبر که آن همه به نماز اهمیت می داد نمازش را با عجله خواند. بعد از چند دقیقه پیامبر (ص) برگشت. لبخندی به لب داشت و دوباره ایستاد تا نماز دوم را بخواند. یکی از مردم که از بقیه کنجاوتر بود دلیل کار پیامبر را از او پرسید. پیامبر گفت: «شما صدای گریه کودکی را از بیرون مسجد نشنیدید؟ او به کمک نیاز داشت و باید یکی به او کمک می کرد.» آن روز همه فهمیدند که کودکان تا چه اندازه برای پیامبر مهم و عزیزند.

مسجد هر لحظه شلوغ و شلوغ تر می شد. مردم به مسجد می آمدند تا پشت سر پیامبر نماز خود را به جماعت بخوانند. وقتی اذان گفته شد، پیامبر بلند شد و الله اکبر گفت.

نماز گزاران با شنیدن صدای الله اکبر بلند شدند و نماز شروع شد. همه می دانستند پیامبر (ص) نماز را با آرامش می خواند. حس خوبی به آدم هایی که برای نماز جماعت به مسجد می آمدند دست می داد. مسجد ساکت شده بود و فقط صدای پیامبر شنیده می شد.

پیامبر با آرامش سوره حمد را خواند اما وقتی به رکعت دوم رسید نمازش را تندتر خواند مردم فهمیدند پیامبر (ص) عجله دارد اما کسی نمی دانست

قصه صدق

شماره ۶۷  
آبان ۱۳۸۰

داستان  
بخوانیم

۱۱

